

## قیام زید بن علی و یحیی بن زید و اسباب شکست و تأثیرات آن در مبارزات ضد اموی

محمد حسین کاظمی<sup>1</sup>

### چکیده

این پژوهش درصدد بررسی انگیزه‌های قیام زید بن علی و یحیی بن زید و بررسی اسباب شکست و تأثیرات آن در مبارزات ضد اموی می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که قیام زید بن علی و فرزندش یحیی که در واپسین سال‌های حکومت امویان شکل گرفت و رهبری قیام توسط زید فرزند امام سجاد (ع) که از علویان سرشناس و عالمان نامور این دوره محسوب می‌شد، با انگیزه‌ی دعوت به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص)، امر به معروف و نهی از منکر، خون خواهی امام حسین (ع)، یاری اهل بیت (ع) و تشکیل حکومت آغاز شد. پس از زید یحیی هم با انگیزه تبعیت از پدر قیام کرد. این دو قیام علی‌رغم تلاش‌های گسترده‌ی زید و یحیی در اثر جدایی بخش زیادی از شیعیان و افرادی که وعده همکاری داده بودند، کثرت نیروهای اموی، اشراف اطلاعاتی امویان بر امور هر دو قیام، با شکست مواجه شدند. هر چند تمام اهداف این قیام‌ها محقق نشد ولی به تقویت حس محبت نسبت به اهل بیت (ع)، تضعیف جایگاه امویان نزد عموم مردم و نخبگان جامعه و گسترش دامنه قیام‌های شیعی به خراسان انجامید.

**واژگان کلیدی:** زید بن علی، یحیی بن زید، قیام‌های شیعه، امویان، کوفه، خراسان.

1. کارشناس ارشد مطالعات تاریخ تشیع. kmohamadhosein@gmail.com

## مقدمه

حکومت امویان بر جهان اسلام با سخت گیری شدید نسبت به شیعیان همراه بود. شیعیان که در این دوره شاهد نقض قوانین اسلام و ستم امویان بر خود و دیگر مسلمانان بودند، در فرصت‌های متعدد اعتراض می‌کردند. گاهی این اعتراض‌ها منجر به قیام شیعیان علیه امویان می‌شد و مهم‌ترین این قیام‌ها توسط امام حسین (ع) به وقوع پیوست. سرکوب شدید قیام‌های شیعیان در دهه هفتم قرن اول باعث شد تا سال‌ها شیعیان قیامی را علیه بنی امیه ساماندهی نکنند خصوصاً این که امام سجاد (ع) و پس از ایشان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) برای اصلاح جامعه روشی غیر از قیام مسلحانه را برگزیدند.

قیام زید بن علی و به تبع او فرزندش یحیی بن زید از بارزترین قیام‌هایی است که در سال‌های پایانی حکومت امویان به وقوع پیوست. حضور زید به عنوان یکی از علویان سرشناس و عالمان نامور این دوره در راس یک قیام ضد اموی پس از سال‌ها دوری علویان از قیام علیه دستگاه بنی امیه و همراهی جمعی از علمای آن دوره و اعلام حمایت عده‌ی زیادی از اهالی عراق و مناطق دیگر بر اهمیت این قیام می‌افزاید.

قیام یحیی بن زید هم که در خراسان شکل گرفت در حقیقت تداوم راه زید بود و به علت این‌که زمینه‌ی ادامه‌ی نهضت در عراق وجود نداشت با فرار یحیی به خراسان در آن بلاد سامان یافت. اهمیت این دو قیام و تاثیرات آن‌ها بر جامعه

اسلامی آن دوره و دوره‌های بعد، انجام تحقیقات در ابعاد گوناگون این قیام‌ها را ضروری می‌سازد.

این نوشتار بر آن است تا با بررسی منابع دست اول تاریخی و پژوهش‌های جدید و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از شیوه‌ی مطالعه‌ی کتابخانه‌ای به انگیزه‌های زید بن علی و یحیی بن زید از قیام بپردازد. نشان دادن اسباب شکست این دو قیام و همچنین تأثیرات آن‌ها بر مبارزات ضد اموی از دیگر اهداف این تحقیق است. در حقیقت این نوشته درصدد پاسخ دادن به این سوالات است:

1. انگیزه‌های زید بن علی و یحیی بن زید از قیام چه بود؟
2. چه عواملی باعث شکست این دو قیام شد؟
3. این دو قیام چه تأثیراتی در مبارزه‌های ضد اموی گذاشت؟

### 1. قیام زید بن علی (ع) (121-120ق)

زید فرزند امام سجاد (ع) مادرش کنیزی نجیب و پرهیزکار (اصفهانی، 1415ق: 258/24 و صدوق، 1376ش: 335) به نام جیدا<sup>1</sup> بود که مختار ثقفی به امام سجاد (ع) هدیه داده و یا خود امام سجاد (ع) او را خریداری کرده بود. (هارونی، 1387ش: 13) زید در سال 121ق (ابن خیاط، 1414ق: 449 و طوسی، 1371ش: 206) در کوفه به شهادت رسید و با توجه به این که سن زید در هنگام شهادت 42 سال بوده است (اصفهانی، بی تا: 127 و طوسی، پیشین) او را می‌توان

1. برای مادر زید نامهای متعددی ذکر شده است، بنگرید به، (اردکانی، 1364: 13).

متولد سال 79ق دانست. یا این که سال شهادتش را 122ق (طبری، 1387ق: 180/7) باشد که در این صورت متولد سال 80ق می‌باشد.

زید نزد پدرش علی بن حسین (ع) به تحصیل پرداخت (زبیری، 1999م: 61). وی از پدر و برادرش محمد بن علی (ع)، عبیدالله بن ابی رافع، ابان بن عثمان بن عفان و عروه بن زبیر روایت نقل کرده است (مزی، 1413ق: 96/10) و افراد زیادی هم از زید نقل حدیث کرده‌اند.<sup>1</sup> زید فردی عابد، فقیه، سخی و شجاع بود (مفید، 1413ق: 171/2 و طوسی، 1409ق: 285) و در مدینه او را «حلیف القرآن» می‌خواندند. (صفهانی، پیشین) همین ویژگی‌ها زید را به چهره‌ای ممتاز در مدینه تبدیل نمود و باعث شد که او همواره مورد سوءظن حکومت قرار گیرد به طوری که هشام بن عبدالملک علناً زید را به مقدمه چینی برای خلافت متهم می‌کرد البته جواب‌های زید هم بر این سوءظن‌ها می‌افزود. (طبری، پیشین، 166-165) از این رو امویان حضور زید را در کوفه که مهم‌ترین پایگاه شیعیان محسوب می‌شد تحمل نمی‌کردند. (صفهانی، 131)

زید بن علی در اثر بروز یک اختلاف مالی به شام احضار و سپس روانه کوفه شد.<sup>2</sup> زید پس از حل اختلاف مالی با امویان مدتی در کوفه اقامت داشت ولی با اجبار یوسف بن عمر ناگزیر به ترک کوفه شد. وی در جریان بازگشت از کوفه به مدینه

1. برای اطلاع از اسامی این افراد بنگرید به، (ابن عساکر، 1415ق: 451/19 و مزی، همان و ذهی، 1413ق - ب: 389/5)

2. تاریخ نگاران اخبار متفاوتی درباره ماهیت این اختلاف مالی ذکر کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر بنگرید به، (رحمتی، 1392: 29)

در محلی به نام قادسیه توسط گروه کثیری از شیعیان به قیام دعوت شد و هنگامی که اصرار آن‌ها را برای قیام دید پس از گرفتن عهد و میثاق دعوتشان را پذیرفت. (اصفهانی، 131-132)

زید وارد کوفه شد و در منازل مختلف ساکن گشت و به دعوت برای قیام خود مشغول بود دو ماه هم برای دعوت اهالی بصره در آن شهر گذراند و از مردم بر مبنای قرآن، سنت پیامبر (ص) جهاد با ستمگران، دفاع از مظلومان، کمک به محرومان و یاری اهل بیت (ع) بیعت می‌گرفت. (طبری، پیشین، ص 171-172) شرایط موجود در بیعت بیان‌گر اهداف اصلی زید از قیام بود.

از اهالی کوفه حدود پانزده هزار نفر برای قیام ثبت نام کردند و علاوه بر آن افرادی از مدائن، بصره، موصل و ... هم حاضر به همکاری بودند. زید افرادی را هم برای دعوت مردم به نقاط دوردست فرستاد. (اصفهانی، 132 و حسنی، 1422ق: 389) وی همچنین نوشته‌ای در بیان ظلم و بدرفتاری امویان و دعوت مردم به جهاد به نگارش درآورد و برای مردم سایر شهرها فرستاد. (بلاذری، 1417ق: 238/3)

فعالیت‌های زید از دید جاسوسان اموی دور نماند و سلیمان بن سراقه گزارش اعمال زید را به یوسف بن عمر حاکم عراق رسانید و یوسف هم با شدت عمل زید را مورد پی‌گرد قرار داد و دو تن از افرادی را که مظنون به همکاری با زید بودند را گردن زد. (اصفهانی، پیشین) این اقدام امویان لطمه‌ی بزرگی بر قیام بود و انضباط نیروهای زید را از هم گسست. زید برای جلوگیری از بحران به ناچار قیام را زودتر آغاز کرد. در مقابل یوسف بن عمر هم در اقدامی پیشدستانه دستور داد تا تمامی

افراد مهم شهر که مظنون به حمایت از زید بودند را در مسجد اعظم کوفه محصور کنند و اعلام کرد هر کس خود به مسجد نیاید در امان نیست. (طبری، پیشین، 181) یوسف بن عمر برای کنترل اطراف کوفه و جلوگیری از رسیدن نیروی کمکی به زید حکم بن صلت را جانشین خود کرد و از شهر خارج شد و در حیره موضع گرفت. (بلاذری، پیشین، 239-240)

یوسف بن عمر با این اقدامات توانست ارتباط زید با هوادانش را قطع و ابتکار عمل را از آن خود نماید. تلاش‌های بعدی زید برای ساماندهی افرادش ثمره‌ی چندانی نداشت و تنها عده‌ی اندکی گرد آمدند. سرانجام پس از دو روز درگیری علی رغم موفقیت در روز نخست زید در میدان جنگ زخمی شد و پس از اندکی به شهادت رسید. (اصفهانی، پیشین، ص 132-137) نکته قابل ملاحظه در این مورد رفتار سبوعانه و خارج از عرف امویان با پیکر زید بن علی است، یوسف بن عمر دستور داد تا زید را نبش قبر کنند و سپس سر از تنش جدا نمودند و پیکرش را بر دار کردند و بعد از چند سال باقی مانده‌ی جنازه زید را آتش زدند و خاکسترش را نیز به فرات ریختند. (همان، 138-139)

#### - انگیزه‌های قیام زید

یکی از اهدافی که زید همواره در زندگی دنبال می‌کرد سامان بخشیدن به امور مسلمین بود و زید برای رسیدن به این هدف حاضر بود تا جان خود را فدا کند (همان، ص 126-127) بنابراین نمی‌توان قیام او را در قالب قیامی قومی و یا مذهبی

---

قیام زید بن علی و یحیی بن زید و اسباب شکست و تأثیرات آن در مبارزات ضد اموی

---

محصور دانست. مهم‌ترین عللی که در شکل‌گیری این قیام نقش دارند را می‌توان این موارد دانست.

الف) دعوت به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص). (طبری، پیشین، 172)

ب) خونخواهی از امام حسین (ع). (مفید، پیشین و بغدادی، 1409ق: 45)

ج) یاری رساندن به اهل بیت پیامبر (ص) و تشکیل حکومت به رهبری اهل بیت (ع). (طبری، پیشین و صدوق، 1387ق: 248-249/1)

د) امر به معروف و نهی از منکر. (مفید، پیشین)

پ) دعوت کوفیان: هر چند زید برای انجام قیام انگیزه‌های فراوانی داشت ولی این دعوت کوفیان بود که زمینه را برای زید فراهم آورد و می‌توان این دعوت را مهم‌ترین علت آغاز قیام دانست.

چ) دفاع از مظلومان و محرومان جامعه. (طبری، پیشین، 172-173)

#### - اسباب شکست قیام زید

الف) اشراف اطلاعاتی امویان بر اعمال زید: امویان پس از اطلاع از نیت زید همواره او را تحت نظر داشتند و تک‌تک اعمال او را رصد می‌کردند. (اصفهانی، پیشین، 132-133 و طبری، پیشین، 181) برتری اطلاعاتی این امکان را به امویان داد تا اعمال خود را بر مبنای آن سامان دهند و در نتیجه توانستند ابتکار عمل را به دست گرفته و جو رعب و وحشت در کوفه و دیگر نقاط حاکم گردانند تا دیگر کسی به یاری زید نیاید. نمود این امر را می‌توان در سخت‌گیری یوسف بن عمر و برقراری

مقررات منع آمد و شد در دو شهر واسط و مدائن به منظور قطع ارتباط میان زید و یارانش در این دو شهر یافت. (بلادری، پیشین، 240-239) پی‌گرد ناگهانی زید و همچنین حصر افراد مظنون به حمایت از زید آن هم تنها یک روز قبل از آغاز قیام هم نه تنها زید را غافل‌گیر کرد بلکه سازمان‌دهی قیام هم از بین رفت، به عقیده نگارنده مهم‌ترین علت شکست قیام زید همین اشراف اطلاعاتی امویان بر تحرکات زید و یاران او بود.

ب) کثرت نیروهای اموی و رسیدن نیروهای کمکی: نیروهای امویان در اولین روز نبرد ده برابر نیروهای زید بودند (طبری، پیشین، 182) و این غیر از نیروهای همراه یوسف بن عمر بود که به عنوان نیروی کمکی برای مقابله با یاران زید اعزام می‌شدند. (اصفهانی، 137) طبق نقل ابوالفرج اصفهانی از سعید بن خثیم مجموع نیروهای یوسف بن عمر دوازده هزار نفر بوده (اصفهانی، 136) که بیان‌گر یک نبرد نابرابر میان دو سپاه است.

ج) جدایی بخش زیادی از شیعیان: یکی دیگر از علل عدم موفقیت زید جدایی اکثر شیعیان از زید است. علت این افتراق را می‌توان در سه موضع جستجو کرد.

اول: عدم برائت زید از شیخین که سبب جدایی عده‌ای از شیعیان شد. این جدایی درست در هنگامی رخ داد که یوسف بن عمر از نهضت زید مطلع شده بود (طبری، پیشین، 180) و زید بیش از هر زمانی به حضور و حمایت این گروه از شیعیان نیاز داشت.



دوم: زید تنها مردم را به یاری اهل بیت (ع) می‌خواند بدون این که از کسی به عنوان رهبر قیام نام ببرد و اشاره‌ای هم به نام امام صادق (ع) نمی‌کرد همین امر باعث سوء برداشت عده‌ای از شیعیان که معتقد به امامت امام صادق (ع) بودند شد. برخی از روایات امامیه که ادعای امامت از سوی زید را نفی می‌کنند ناظر به همین مسئله است، زیرا برخی شیعیان گمان می‌کردند زید داعیه امامت دارد. (کلینی، 1407ق: 264/8 و طوسی، پیشین)

سوم: تحرکات عباسیان بود که از سال 100ق به صورت سری برای مبارزه با امویان آغاز شده بود و در مناطق مختلف از جمله عراق ادامه داشت. (طبری، 562/6) سیاست کلی عباسیان بر مبنای وصیت عبدالله بن عباس پرهیز از شرکت در قیام‌های آل علی (ع) بود (مجهول، 1391ق: 130) و دعوت زید در آن زمان به عنوان یک شخصیت برجسته‌ی علوی و اقبال اهالی کوفه به او موجب تشکیل یک جبهه موازی علیه امویان شد. عباسیان که به درستی از موقعیت علویان را در کوفه آگاه بودند، (همان، 206 و بلاذری، 81/4) به این نتیجه رسیدند که زید در صورت موفقیت، اقدام به تشکیل یک حکومت علوی در عراق می‌نماید و دو دهه تلاش عباسیان از دست می‌رود و به همین منظور ابتدا بُکیر بن ماهان داعی بزرگ عباسیان در عراق<sup>1</sup> به دستور محمد بن علی عباسی به تبلیغ علیه حرکت زید پرداخت و آن را محکوم به شکست معرفی کرد و هواداران بنی عباس را از شرکت در این قیام برحذر داشت. سپس بُکیر بن ماهان در آستانه اعلان قیام توسط زید، به همراه تعدادی از افرادش از

1. بُکیر بن ماهان معروف به ابوهاشم پس از مرگ میسره عبدی توسط محمد بن علی عباسی به عنوان داعی بزرگ عباسیان در عراق انتخاب شد. (دینوری، 1368ش: 334)

کوفه خارج شد و تا شهادت زید به کوفه بازنگشت. (مجهول، 231-230) این تبلیغات و رفتار بکیر بن ماهان علاوه بر این که باعث جدایی کامل هواداران بنی عباس از زید شد<sup>1</sup> موجبات یاس افرادی را که به امید پیروزی با زید بیعت کرده بودند را به وجود آورد و در نتیجه این گروه هم دست از حمایت زید برداشتند.

#### - آثار قیام زید

الف) گسترش دامنه قیام‌های علوی به سمت خراسان: پس از شهادت زید شیعیان در خراسان به حرکت درآمدند و هواخواهانشان زیاد شد و اخبار ظلم‌های امویان بر خاندان پیامبر (ص) را به همه شهرها می‌رساندند. (یعقوبی، بی‌تا: 326/2) یحیی بن زید هم از کوفه گریخت و به خراسان رفت و علیه امویان قیام کرد. هر چند یحیی هم مانند پدرش موفق نشد و به شهادت رسید ولیکن برای اولین بار قیامی در خراسان شکل گرفت که رهبری آن برعهده‌ی یکی از علویان بود. در نتیجه جبهه‌ی جدیدی علیه امویان گشوده شد و عباسیان از شهادت یحیی برای رونق قیام خود بهره بردند.

ب) تضعیف جایگاه امویان نزد علما: در پی دعوت زید برای قیام عده‌ای از علما سرشناس شهرهای مختلف با زید بیعت کردند. (حسنی، 404-401 و اصفهانی، 142-140) بعد از سرکوب شدید و بی‌رحمانه‌ی قیام زید جایگاه امویان نزد این عده از علما بیش از پیش تنزل یافت و با توجه به این که ایشان از بزرگان عصر خود

1. با توجه به فراوانی تعداد بیعت‌کنندگان با زید و همچنین تبلیغات وسیع بکیر بن ماهان علیه حرکت زید می‌توان نتیجه گرفت که تعداد قابل ملاحظه‌ای از هواداران عباسیان حاضر به همکاری با زید بودند.

---

قیام زید بن علی و یحیی بن زید و اسباب شکست و تأثیرات آن در مبارزات ضد اموی

---

بودند تفکر آنان نسبت به امویان اندک اندک در جامعه نیز رخنه کرد و به نارضایتی از امویان دامن زد.

## 2. قیام یحیی بن زید (122-125ق)

یحیی فرزند زید بن علی، مادرش ریظه دختر عبدالله بن محمد بن حنفیه، وی زنی شایسته بود که از پدر و شوهرش روایت نقل می‌کرد. (ابن صوفی، 1422: 429) یحیی در سال 125ق (بلاذری، 263/3 و آملی، 1422ق: 422) در سن هجده سالگی به شهادت رسید (ابن حزم، 1403ق: 56 و ابن عنبه، 1417ق: 241) که با این حساب متولد سال 107ق می‌شود و یا اینکه در سن بیست و هشت سالگی به شهادت رسیده (هارونی، 17) که در این صورت متولد سال 97ق می‌باشد.

یحیی در شجاعت، قوت قلب و جنگیدن مانند پدرش بود (همان، 15). او از راویان صحیفه‌ی سجادیه است (طوسی، 1371ش: 426 و همو، 1420ق: 477) و حضور نام او در سند برخی از اخبار بیان‌گر بهره‌مندی یحیی از دانش حدیث است. (صدوق، 1362ش: 94/1 و همو، 1376ش: 105 و طوسی، 1414ق: 510) یحیی قبل از قیام و در سفر شام همراه پدرش بود (ابن عساکر، همان، 224/64)<sup>1</sup> و او را در قیام یاری نمود و در میدان نبرد شرکت داشت. بعد از شهادت و تدفین پدر در حالی که تنها ده نفر او را همراهی می‌کردند، برای رهایی از تعقیب یوسف بن عمر از کوفه خارج شد و به کربلا رفت و از آنجا به مدائن و سپس به

---

<sup>1</sup>البته بنا بر گزارش ابوالعباس حسنی یحیی در سفر شام در مدینه مانده و زید را همراهی نکرده و در کوفه به پدر ملحق شده است. (حسنی، 408)

ری و خراسان گریخت. یحیی شش ماه در سرخس در منزل حکم بن یزید اقامت گزید در همین دوران گروهی از خوارج به یحیی پیشنهاد قیام دادند و یحیی در اثر مشورت یزید بن عمرو این پیشنهاد را نپذیرفت و از سرخس خارج شد و به سمت بلخ حرکت کرد. یحیی پس از ورود به بلخ در خانه حریش بن عبدالرحمن سکنی گزید. (اصفهانی، 146) در این مدت پیوسته یحیی تحت تعقیب امویان بود (طبری، 189/7 و 228) و همواره به صورت مخفیانه حرکت می‌کرد. (یعقوبی، پیشین و هارونی، 16)

با مرگ هشام بن عبدالملک و تکیه ولید بن یزید بر اریکه خلافت، یوسف بن عمر به نصر بن سیار که والی خراسان بود دستور داد که حریش بن عبدالرحمن را وادار کند که یحیی بن زید را دستگیر و تحویل دهد و در این امر شدت عمل به کار برد. نصر بن سیار به عقیل بن معقل که حکمران بلخ بود فرمان داد، حریش را احضار کند و آن قدر حریش را شکنجه و عذابش بدهد تا یحیی را تسلیم سازد. حریش بسیار مقاومت کرد تا این‌که پسرش برای رهایی او مکان یحیی را لو داد. حاکم بلخ یحیی را نزد نصر بن سیار فرستاد، نصر یحیی را در زندان به زنجیر کشید و یوسف بن عمر را مطلع کرد. یوسف بن عمر هم پس از کسب تکلیف از ولید بن یزید به نصر بن سیار دستور داد تا یحیی را آزاد کنند. نصر بن سیار سعی کرد تا ضمن آزادی یحیی، او را از قیام علیه امویان برحذر دارد ولی یحیی به مذمت امویان پرداخت و نصر دریافت که یحیی آرام نخواهد نشست در نتیجه برای دفع خطر یحیی هدایایی به او داد و توصیه کرد که به دیدار ولید بن یزید برود. نصر بن سیار

سعی کرد با نامه نگاری با والیان خود زمینه خروج یحیی از خراسان را فراهم آورد و مانع قیام او در خراسان شود. (اصفهانی، 148-147).

یحیی پس از عبور از چند شهر در بیهق تصمیم به قیام گرفت و به تجهیز قوا پرداخت. نصر بن سیار هم پس از آگاهی از تحرکات یحیی سه لشکر از ابر شهر، سرخس و طوس به فرماندهی عمرو بن زراره را به مقابله با یحیی فرستاد که نبرد بین دو سپاه با وجود کثرت نیروهای اموی به سود یحیی خاتمه یافت. (همان و هارونی، پیشین)

یحیی برای ادامه قیام خود از هرات گذشت و در جوزجان تجدید قوا کرد. سرانجام در جنگی نا برابر که سه روز به طول انجامید شجاعانه جنگید و در اثر اصابت تیری به پیشانی‌اش به شهادت رسید. لشکر نصر سر از تن یحیی جدا کردند و پیکرش را بر دروازه جوزجان به دار آویختند. (اصفهانی، 150 و هارونی، 17). پیکر یحیی بن زید تا زمان خروج سپاه پوشان خراسان علیه امویان بردار ماند تا این که توسط خالد بن ابراهیم، حازم خزیمه و عیس بن ماهان محترمانه به خاک سپرده شد. (آملی، 423 و اصفهانی، 150)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### - انگیزه‌های قیام یحیی

با توجه به این که یحیی بن زید از اولین مراحل قیام پدر تا پایان آن به همراهی پدرش پرداخت و در طول نهضت خود عملی که با سیره‌ی پدر مغایرت داشته باشد از او سر نزد، می‌توان به این نتیجه رسید که بین انگیزه‌های یحیی و پدرش برای انجام قیام همسانی وجود دارد و در واقع یحیی ادامه دهنده‌ی مسیر پدرش می‌باشد.

البته وصیت زید به یحیی مبنی بر رعایت تقوای الهی و جهاد با بنی امیه و دشمنان خدا (بلاذری، پیشین، 250 و حسنی، 408) در تقویت انگیزه‌های سابق و روحیه مجاهدت در یحیی موثر بوده و این امر در پاسخ یحیی به نصر بن سیار زمانی که یحیی را از قیام برحذر می‌داشت<sup>1</sup> و همچنین روایت علی بن بلال آملی، از ترغیب و تشویق یارانش در میدان جنگ هویدا است. (آملی، 421)

### - اسباب شکست قیام یحیی

الف) اشراف اطلاعاتی امویان بر اعمال یحیی: یحیی هرچند توانست مخفیانه از کوفه بگریزد ولی یوسف بن عمر همواره او را تحت نظر داشت و از مسیر و منزلگاه‌های یحیی مطلع بود و همین اطلاعات موجب شد تا یحیی نتواند مخفیانه در خراسان به فعالیت پردازد. در نتیجه برای امویان این امکان حاصل بود تا هر زمانی که لازم بدانند اقدام به دستگیری او نمایند و دستگیری یحیی توسط نصر بن سیار هم بر مبنای همین اطلاعات رخ داد. (طبری، پیشین 228) امویان پس از آزاد کردن یحیی از زندان همین رویه را دنبال کردند و شهر به شهر یحیی را تحت نظر داشتند. (اصفهانی، 148)

ب) کثرت نیروهای اموی: یحیی در خراسان دو بار به مصاف لشکر امویان رفت در نبرد اول که فرماندهی امویان بر عهده‌ی عمرو بن زراره بود تعداد لشکر امویان ده هزار نفر ذکر شده است در حالی که یاران یحیی از هفتاد نفر تجاوز نمی‌کردند. (همان، 149 و طبری، پیشین، 229) دومین درگیری یحیی با سپاه امویان به

1. حیی امویان را بزرگ‌ترین فتنه امت محمد (ص) خواند که خون ناحق می‌ریزند و حکومت را غضب کرده‌اند. (اصفهانی، 148)

فرماندهی سلم بن احور رخ داد و نیروهای اموی در این جنگ هشت هزار نفر ذکر شده است و بخشی از آنان مردمان شام بودند که در برابر آل علی (ع) به شدت مقاومت می‌کردند و سستی به خود راه نمی‌دادند در حالی که افراد یحیی مانند پیکار قبل هفتاد نفر نقل شده است. (اصفهانی، پیشین)

ج) کارشکنی عباسیان: جریان بنی عباس که بنابر گزارش منابع بعد از صلح امام حسن (ع) در هیچ یک از قیام‌های ضد اموی شرکت نکرده بودند (الله اکبری، 1387: 91) نسبت به قیام یحیی بن زید حساسیت بیشتری از خود نشان دادند. زیرا حضور یحیی در خراسان و قیام احتمالی او در این منطقه موقعیت عباسیان را که سال‌ها در این منطقه فعال بودند و خراسان را پایگاه اصلی خود به حساب می‌آوردند (مقدسی، 1411ق: 293-294 و مجهول، 206-207) را متزلزل می‌کرد.

پس از حضور یحیی در خراسان بُکیر بن ماهان هم خود را به خراسان رساند و هواداران بنی عباس نزد او می‌رفتند و سخنانش را به دیگران می‌رساندند. (همان، 232) بکیر به پیروان بنی عباس دستور داد که به هیچ وجه یحیی را یاری نکنند زیرا به گفته‌ی امام عباسی او به موفقیت نخواهد رسید. (همان، 242) عباسیان به این ترتیب گروهی از افرادی که ممکن بود به یحیی کمک کنند را از او جدا کردند.

#### - آثار قیام یحیی

الف) برانگیختن احساسات و عواطف نسبت به اهل بیت (ع): قیام و شهادت یحیی بن زید در تهییج و تحریک احساسات و عواطف مردم خراسان نسبت به اهل بیت (ع) تاثیر فراوانی داشت به طوری که پس از آزادی یحیی از زندان و غل و زنجیر،

عده‌ای از ثروتمندان شیعه زنجیرهایی که با آن یحیی را به بند کشیده بود را به مبلغ قابل توجهی خریداری کردند. آنان این زنجیرها را قطعه قطعه کرده و با آن نگین انگشتر ساختند تا این گونه خود را متبرک گردانند. (اصفهانی، 148) این ابراز محبت و علاقه با شهادت یحیی شدت بیشتری گرفت و پس از خروج ابومسلم و تسلط او بر مناطقی از خراسان و تدفین محترمانه‌ی یحیی به دستور او، مردم خراسان که از آزار امویان آسوده شدند و هفت روز برای یحیی عزاداری کردند. (مسعودی، 1409ق: 213/3) در این سال مردمان خراسان برای احترام به یحیی بن زید نوزادان پسر خود را یحیی نامیدند. (ذهبی، پیشین، 391)

ب) ایجاد فضای ضد اموی و استفاده عباسیان از آن: قیام و شهادت یحیی بن زید در فاصله کوتاهی پس از شهادت پدرش موجب پیدایش بستری مناسب برای فعالیت‌های ضد اموی در خراسان شد. (مجهول، 167) عباسیان هم که از سال‌های قبل تبلیغات خود را در خراسان آغاز کرده بودند توانستند از این فضای به وجود آمده نهایت استفاده را ببرند و با برشمردن ستم‌های امویان در حق خاندان پیامبر (ص) و به ویژه زید و یحیی، آنان را به «آل محمد (ص)» می‌خواندند و خراسانیان که چهره واقعی دعوت را نشناخته بودند و گمان می‌کردند که دعوت برای یکی از فرزندان پیغمبر (ص) است، به سرعت به آن می‌پیوستند. (الله اکبری، 92)

ابومسلم پس از تصرف جوزجان دستور داد تا پیکر یحیی را محترمانه به خاک بسپارند و برای او در شهرهای مختلف عزاداری نمایند. (ذهبی، 1413ق- الف: 300/8) ابومسلم با این رفتار توانست عباسیان را به عنوان خونخواه اهل بیت (ع)



معرفی کند و سپس با خیالی آسوده به تعقیب و کشتار هواداران امویان در خراسان بپردازد. (اصفهانی، 150 و آملی، 423)

### نتیجه‌گیری

قیام زید بن علی در دهه‌ی پایانی حکومت امویان شکل گرفت. رهبریان قیام توسط زید فرزند امام سجاد (ع) که از علویان سرشناس و عالمان نامور این دوره محسوب می‌شد با انگیزه‌ی دعوت به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص)، خونخواهی امام حسین (ع) یاری اهل بیت (ع) و تشکیل حکومت به رهبری آنان، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع از مظلومان و دعوت کوفیان آغاز شد. این قیام علی‌رغم تلاش‌های گسترده‌ی زید و دعوت از بزرگان و فرستادن داعی به شهرهای مختلف به شکست و شهادت زید انجامید. اشراف کامل امویان بر اعمال زید که اغلب اعمال زید را رصد می‌کردند ابتکار عمل را از یاران زید گرفت و کثرت نیروهای امویان و ورود نیروهای کمکی یوسف بن عمر به میدان جنگ تأثیر به‌سزایی در شکست این حرکت داشت و در این میان عدم تبری زید از شیخین، سوء برداشت برخی از شیعیان از نیت زید که گمان کردند زید خود ادعای امامت دارد و همچنین فعالیت عباسیان در کوفه که موفقیت زید مایه‌ی از بین رفتن فعالیت‌های خود می‌دیدند هم باعث جدایی بخش زیادی از شیعیان شد و در نتیجه نهضت زید درهم شکست.

با این حال قیام زید دو اثر بسیار مهم در مبارزات ضد اموی داشت یکی گسترش قیام به خراسان بود که توسط یحیی آغاز شد و در ادامه با قیام عباسیان منجر به نابودی امویان شد و دیگر آن که بی‌رحمی و رفتار خارج از عرف امویان با زید به

بدبینی بیش از پیش علمایی که حرکت زید را تایید کرده بودند منجر شد و این بد بینی به تدریج به مردم هم سرایت نمود.

یحیی بن زید هم که پس از شهادت پدر به خراسان گریخته بود در آنجا با وصیت پدر و بهره مندی از همان انگیزه‌ها قیام خود را سامان داد. برتری اطلاعاتی و آگاهی امویان از اعمال یحیی امکان فعالیت مخفیانه را از یحیی گرفت و اعمال او را برای امویان قابل پیش بینی و ارزیابی ساخت. از سوی دیگر عباسیان از حضور یحیی در خراسان به شدت احساس خطر کردند و هواداران خود را از همراهی با برحذر داشتند. کثرت نیروهای امویان در میدان نبرد هم شجاعت یحیی و یارانش را بی اثر کرد و در نتیجه قیام یحیی هم شکست خورد و یحیی به شهادت رسید.

شهادت مظلومانه‌ی زید و یحیی باعث تحریک گسترده‌ی احساسات و عواطف مردم در خراسان شد به صورتی که این شدت احساسات در نام گذاری فرزندان و عزاداری و تبرک جستن به یحیی نمایان شد و در این هنگام عباسیان که خود از یاری زید و یحیی امتناع کرده بودند توانستند از این فضای احساسی بهره برداری کرده و به قیام خود رونق دهند.

### منابع و مأخذ

آملی، علی بن بلال (زنده در قرن چهارم)، تتمه المصابیح، عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی، موسسه الامام زید بن علی الثقافیه، الطبعة الاولى، 1422ق.  
ابن حزم، علی بن احمد (م456ق)، جمهره انساب العرب، تحقیق لجنة من العلماء، بیروت، دار الکتب العلمیه، طبعه الاولى، 1403ق.

ابن خیاط، ابو عمرو خلیفه (م240ق)، کتاب الطبقات، تحقیق دکتر سهیل زکار، دارالفکر بیروت، 1414ق.

ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی دمشقی (م571ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق، علی شیری، جلد 19 و 67. دار الفکر، بیروت، 1415ق.

ابن عنبه، احمد بن علی (م828ق)، عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، انصاریان، قم، 1417ق.

ابن صوفی نسابه (م466ق)، المجدی فی أنساب الطالبین، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، قم، 1422ق.

اصفهانى، ابو الفرج (م356ق)، مقاتل الطالبین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفه، بی تا.

\_\_\_\_\_، الاغانی، جلد 24، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ

اول، ق 1415.

الله اکبری، محمد، عباسیان از بعثت تا خلافت، موسسه بوستان کتاب، قم، چاپ دوم، 1387ش.

بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد (م429ق)، الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الناجیه منهم، تحقیق محمد عثمان الخشت، مکتبه ابن سینا، قاهره، 1409ق.  
بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (م279ق)، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، جلد 4، بیروت، دار الفکر، ط الأولى، 1417ق.

حسنی، ابوالعباس احمد بن ابراهیم (م353ق)، المصابیح، عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی، مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، الطبعة الاولى، 1422ق.  
دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود (م282ق)، الأخبار الطوال، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی، 1368ش.  
ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (م748)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی، ط الثانية، 1413ق - الف.

سیر اعلام النبلاء، شعیب الارنؤوط، جلد 5، مؤسسه الرساله، بیروت، الطبعة التاسعه، 1413ق - ب.  
رحمتی، محمد کاظم، زیدیه در ایران، پژوهشکده تاریخ اسلام، تهران، چاپ اول، 1392ش.

رضوی اردکانی، سید ابوظاهر، شخصیت و قیام زید بن علی (ع)، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، 1364ش.

زبیری، ابو عبد الله مصعب بن عبد الله بن مصعب (م236ق)، کتاب نسب قریش، تحقیق ا. لیلی بروفنیسال، دار المعارف، قاهره، چاپ چهارم، 1999م. صدوق، محمد بن علی (م381ق)، امالی، ناشر کتابچی، تهران، چاپ ششم، 1376ش.

\_\_\_\_\_ الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ اول 1362ش.

\_\_\_\_\_ عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح، مهدی لاجوردی، جلد 1، نشر جهان، تهران، چاپ اول، 1378ق.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (م310ق)، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، جلد 6 و 7 بیروت، دار التراث، طبع الثانیه، 1387ق.

طوسی، محمد بن حسن (م460ق)، اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)، کشی، محمد بن عمر (متوفی نیمه اول قرن 4 ق)، تحقیق حسن مصطفوی، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، چاپ اول، 1409ق.

\_\_\_\_\_ امالی، تصحیح مؤسسه البعثه/ انتشارات دار الثقافه/ ایران/ قم/ چاپ اول 1414 ق.

\_\_\_\_\_ رجال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المقدسه، قم، چاپ سوم، 1371ش.

\_\_\_\_\_ فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، تصحیح، عبدالزیز طباطبائی، مکتبه المحقق الطباطبائی، چاپ اول، قم، 1420ق.

کریمان، حسین، سیره و قیام زید بن علی (ع)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، 1382ش.

کلینی، محمد بن یعقوب (م329 ق)، الکافی، تصحیح، علی اکبرغفاری و محمد آخوندی، جلد8، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، 1407 ق.

مزی، جمال الدین ابی الحجاج یوسف (م742 ق)، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق، بشار عواد معروف، جلد 10، موسسه الرساله، بیروت، الطبعة الرابعه 1413 ق.

مسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین بن علی (م346 ق)، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چاپ دوم، 1409 ق.

مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (م413 ق)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، جلد 2، چاپ اول، قم، 1413 ق.

مقدسی، ابو عبد الله محمد بن احمد (قرن4)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، مکتبه مدبولی، قاهره الطبعة الثالثه، 1411 ق.

مؤلف مجهول (ق3)، أخبار الدوله العباسیه و فیه أخبار العباس و ولده، تحقیق عبد العزیز الدوری و عبد الجبار المطلبی، بیروت، دار الطلیعه، 1391 ق.

نجاشی، احمد بن علی (م450 ق)، رجال النجاشی، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه، چاپ ششم، قم، 1365 ش.

هارونی، ابوطالب یحیی بن حسین (م424 ق)، الافاده فی تاریخ الائمہ الساده، تصحیح و تحقیق، محمد کاظم رحمتی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب،

1387ش.

---

قیام زید بن علی و یحیی بن زید و اسباب شکست و تأثیرات آن در مبارزات ضد اموی

---

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (م بعد 292ق)، تاریخ یعقوبی، جلد 2، بیروت، دار  
صادر، بی تا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی